



بردیای سرکش بزرگ

تهیه و تنظیم

دکتر همدلیاک

سرشناسه : دلیاک، هدایت‌اله، ۱۳۲۵-
عنوان و نام پدیدآور : بردیا پسر کورش / تهیه و تنظیم: دلیاک.
مشخصات نشر : تهران: پارمیس، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۲۲۴ ص.
شابک : 978-600-8708-62-9
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : بردیا هخامنشی، قرن ۵ ق.م.
موضوع : ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق.م.
موضوع : Iran -- History -- Achaemenians, 558 - 330 B. C.
ردیف ملی کتاب : ۲۱۹DSR
رده یابی : ۹۵۵/۰۱۴
شماره کتابساز : ۵۶۸۲۸۳۸



روزنامه کورش بزرگ

پیه و سیم هد دلای

ناشنای من

شمارگان: ۵۰۰ نسخه نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

لیتوگرافی توس

چاپ و صحافی: تابان

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۰۸-۶۲-۹



انتشارات پارسیس

نشانی: خیابان کارگر جنوبی، پامین تر از میدان چرا، کوچه حاتی، پلاک ۲۷

تلفن: ۶۶۴۹۶۱۳۵-۶۶۴۹۷۱۲۴-۶۶۴۷۵۱۲۰-۶۶۴۷۵۱۲۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

جدول مندرجات

۱۷	۱. پیشگفتار
۱۸	۱-۱: سبب تألیف و اتموری را ساقط کرد
۱۸	۱-۲: کورش در دستگاه دیوش
۲۰	۱-۳: دین کورش
۲۲	۱-۴: کورش بزرگ در عهد عتیق
۲۲	۱-۵: نقش برجسته انسان
۲۳	۱-۶: کورش در هنر و ادبیات
۲۵	۱-۷: کورش در روایات شفاهی ایران
۲۷	۱-۸: کورش در کتاب‌های تاریخ مسلمانان
۲۷	۱-۹: آرامگاه کورش بزرگ
۲۸	۱-۱۰: بناها و کاخ‌های کورش
۲۹	۱-۱۱: کاخ دروازه
۳۰	۱-۱۲: دیوار نبشته‌های کورش بزرگ
۳۰	۱-۱۳: استوانه کورش
۳۱	۱-۱۳-۱: زمان نوشته شدن استوانه کورش
۳۲	۱-۱۴: جانشین کورش بزرگ
۳۳	۱-۱۵: بردیا پسر کورش هخامنشی
۳۴	۱-۱۶: نقاب بردیه

- ۱۷-۱: بردیا به دستور برادرش کشته شد ۳۵
- ۱۸-۱: نظر آریان مورخ یونانی در مورد کشته شدن بردیا ۳۵
- ۱۹-۱: مرگ بردیا توسط کمبوجیه به روایت داریوش پادشاه بزرگ ۳۶
- ۲۰-۱: قاتل بردیه ۳۷
- ۲۱-۱: نام و تبار بردیا ۳۸
- ۲۲-۱: مرگ کمبوجیه ۳۹
- ۲۳-۱: تاسیس ۴۰
- ۲۴-۱: بردیا به معمای قتل ۴۰
- ۲۵-۱: مرگ بردیا به کمبوجیه شورید ۴۳
- ۲۶-۱: داریوش و سلطنت داریوش کبیر ۴۳
- ۲۶-۱-۱: سپاه اوان سازمان اطلاعات و جاسوسی جهان .. ۴۶
- ۲۶-۲-۱: تأسیس اولین سازمان بازرسی و تعزیرات حکومتی .. ۴۶
- ۲۶-۳-۱: اولین اکادمی نجوم و ستاره شناسی ۴۶
- ۲۶-۴-۱: تأسیس دانشگاه پزشکی ۴۷
- ۲۶-۵-۱: تأسیس سپاه جاویدان ۴۷
- ۲۶-۶-۱: تقویت نیروی دریایی ۴۷
- ۲۶-۷-۱: حفر کانال داریوش در مصر ۴۸
- ۲۶-۸-۱: تأسیس راه شاهی ۴۹
- ۲۶-۹-۱: تأسیس چاپارخانه، پیک و ایستگاه مخابراتی ۴۹
- ۲۶-۱۰-۱: تشکیل استان‌ها و ایالت‌های مختلف ۴۹
- ۲۷-۱: داریوش کبیر و بردیای دروغین ۵۰

۲. زندگینامه بردیا پسر کورش بزرگ ۷۵
- ۲-۱: کودکی و جوانی کورش ۷۷
- ۲-۲: طغیان کورش علیه شاه ماد ۷۷

- ۷۸ ۲-۳: تسخیر بابل
- ۷۹ ۲-۴: مرگ کورش بزرگ
- ۷۹ ۲-۵: زندگانی کورش
- ۸۱ ۲-۶: منابع یونانی درباره کورش هخامنشی
- ۸۲ ۲-۷: منابع یهودی درباره کورش هخامنشی
- ۸۲ ۲-۸: ریشه نام کورش
- ۸۶ ۲-۸-۱: نام غیر ایرانی است و ریشه در زبان ایلامی دارد
- ۸۶ ۲-۸-۲: نام ایرانی شرقی است
- ۸۷ ۲-۹: نیای کورش
- ۸۷ ۲-۱۰: نسب شاهان کوروش
- ۸۹ ۲-۱۱: کورش در چهار سالگ
- ۹۰ ۲-۱۲: افسانه زایش کورش بزرگ
- ۹۲ ۲-۱۳: آتوسای هخامنشی
- ۹۴ ۲-۱۳-۱: شاه و ملکه در ایران باستان
- ۹۵ ۲-۱۳-۲: سرنوشت آتوسا پس از خودکشی کمبوجیه در مصر
- ۹۵ ۲-۱۳-۳: آتوسا "خشایار شاه" را به دیار آریا می‌برد
- ۹۵ ۲-۱۳-۴: ملکه پیش از ۲۸ کشور آسیایی
- ۹۶ ۲-۱۳-۵: آتوسا همراه لشکرکشی‌های داریوش بزرگ
- ۹۶ ۲-۱۳-۶: آتوسا، یکی از برجسته‌ترین زنان تاریخ
- ۹۶ ۲-۱۳-۷: پسران آتوسا
- ۹۶ ۲-۱۳-۸: مرگ شهبانوی پارسی
- ۱۰۱ ۲-۱۴: بردیا (Bardiya)
- ۱۰۱ ۲-۱۵: بردیا در لشکرکشی کمبوجیه به مصر و شمال آفریقا
- ۱۰۲ ۲-۱۶: شش تن از بزرگان پارسی با بردیای راستین یا دروغین
- ۱۰۳ ۲-۱۷: قتل بردیا یا گئومات؟

- ۱۸-۲: وجود تناقضات و نکات خردناپذیر بسیار در قتل بردیا... ۱۰۴
- ۱۹-۲: آیا کمبوجیه دستور مرگ بردیا را داد؟..... ۱۰۸
- ۲۰-۲: پادشاهی قانونی که با نیرنگ توسط ویندافر کشته شد..... ۱۰۹
- ۲۱-۲: بی‌نظمی در دوران کمبوجیه..... ۱۱۰
- ۲۲-۲: اقدام‌های منفی بردیا، ویرانی پرستشگاه‌ها..... ۱۱۱
- ۲۳-۲: داریوش پس از رسیدن به تخت سلطنت..... ۱۱۲
- ۲۴-۲: رودت و روایت مرگ بردیا..... ۱۱۳
- ۲۵-۲: نظریه یکسان بودن گئومات مغ و بردیا..... ۱۱۵
- ۲۶-۲: کمبوجیه و یک مغ..... ۱۱۵
- ۲۷-۲: گئومات بردیا (دروغین)..... ۱۱۶
- ۲۸-۲: خبر مرگ کمبوجیه..... ۱۱۷
- ۲۹-۲: دوران سلطنت داریوش بزرگ..... ۱۱۷
- ۳۰-۲: دریای سرخ به دریای مدیترانه متصل شد..... ۱۱۸
- ۳۱-۲: شهرت جهانی داریوش..... ۱۱۸
- ۳۲-۲: تقسیم کشور به استان‌های مختلف..... ۱۱۹
- ۳۳-۲: گئومات مغ و داریوش..... ۱۲۰
- ۳۴-۲: سرکوب شورش‌ها..... ۱۲۱
- ۳۵-۲: تشکیلات داریوش..... ۱۲۴
- ۳۶-۲: داریوش و لشکر جاویدان..... ۱۲۶
- ۳۷-۲: دلجویی از مصری‌ها..... ۱۲۹
۳. جنگ‌های کمبوجیه و بردیا پسران کورش بزرگ..... ۱۳۱
- ۱-۳: مسند قدرت پس از کورش..... ۱۳۱
- ۲-۳: نیای داریوش..... ۱۳۲
- ۳-۳: آخرین حمله داریوش..... ۱۳۳

- ۳-۴: جنگ‌های فراوان خشایار شاه ۱۳۳
- ۳-۵: زوال حکومت هخامنشیان ۱۳۵
- ۳-۶: ریشه‌ی بردیا ۱۳۷
- ۳-۷: نبردهای کورش بزرگ ۱۳۷
- ۳-۸: کورش نیروهای مادی را از پارس بیرون کرد ۱۳۸
- ۳-۹: کورش و آستیاگ در هگمتانه ۱۳۸
- ۳-۱۰: فرمانروای مادها ۱۳۹
- ۳-۱۱: فروپاشی فرمانروایی لیدی ۱۴۰
- ۳-۱۲: کورش با کروزوس ۱۴۱
- ۳-۱۳: تسخیر دژ سارد توسط کورش ۱۴۳
- ۳-۱۴: تسخیر شروان و غرب آسیای میانه و ایلام ۱۴۴
- ۳-۱۵: سکوت مورخان و ناسازگاری درباره جنگ‌های کورش ۱۴۵
- ۳-۱۶: هیرکانی و پذیرش آیین زرتشتی ۱۴۶
- ۳-۱۷: فتح بابل توسط کورش ۱۴۷
- ۳-۱۸: استحکامات طبیعی بابل ۱۴۸
- ۳-۱۹: کورش و شکست نبونعید ۱۴۸
- ۳-۲۰: کورش پس از فتح بابل ۱۵۰
- ۳-۲۱: تسلط ایرانیان بر سوریه و سواحل فنیقیه ۱۵۱
- ۳-۲۲: نبرد با ماساگت‌ها و مرگ کورش بزرگ ۱۵۱
- ۳-۲۳: جنگ گائوگمل و نتایج آن ۱۵۱
- ۳-۲۴: پس از جنگ گرانیک ۱۵۱
- ۳-۲۵: کمبوجیه سوم ۱۶۱
- ۳-۲۶: واقعه بردیا ۱۶۲
- ۳-۲۷: لشکرکشی‌های داریوش ۱۶۳
- ۳-۲۷-۱: لشکرکشی به سرزمین سکاها ۱۶۳

- ۱۶۴..... ۲۷-۳: ضمیمه کردن سند و پنجاب
- ۱۶۴..... ۲۷-۳: جنگ داریوش با یونان
- ۱۶۵..... ۲۷-۴: فرستادگان داریوش کشته شدند
- ۱۶۷..... ۲۸-۳: مرگ و مقبره داریوش بزرگ
- ۱۶۷..... ۲۹-۳: دستگاه منظم اداری در زمان داریوش
- ۱۶۸..... ۳۰-۳: لشکرکشی کمبوجیه به آفریقا، تسخیر مصر
- ۱۶۹..... ۳۱-۳: کمبوجیه و حرکت به سوی فینیقیه
- ۱۷۰..... ۳۲-۳: تساهل شدن تمام شهرهای مصر و ادامه جهانگشایی
- ۱۷۰..... ۳۳-۳: حملات در سپاهیان کمبوجیه
- ۱۷۱..... ۳۴-۳: شورش کمبوجیه
- ۱۷۲..... ۳۵-۳: به نظر نویسنده هر دوت از رفتار کمبوجیه دروغ است
- ۱۷۳..... ۳۶-۳: رفتار کمبوجیه در مصر
- ۱۷۵..... ۳۷-۳: مرگ کمبوجیه و دروغی
- ۱۷۶..... ۳۸-۳: سمر دیس یا بردیا دروغی
- ۱۷۷..... ۳۹-۳: داریوش مغ یاغی را کشت
- ۱۷۹..... ۴۰-۳: کتیبه داریوش در بیستون
- ۱۸۰..... ۴۰-۳-۱: مقایسه کتیبه بیستون با نوشته‌های هرودوت
- ۱۸۱..... ۴۱-۳: خصلت‌های کمبوجیه
- ۱۸۲..... ۴۲-۳: آرامگاه کمبوجیه
- ۱۸۵..... ۴: دروغ خواندن مرگ بردیا
- ۱۸۶..... ۴-۱: کتیبه داریوش بزرگ در کاخ آپادانای شوش
- ۱۸۷..... ۴-۲: خصوصیات داریوش بزرگ
- ۱۸۸..... ۴-۳: بردیای دروغین
- ۱۸۸..... ۴-۴: گنومات مغ خود را بردیا نامید

- ۴-۵: روایت هرودوت از به پادشاهی رسیدن داریوش..... ۱۹۲
- ۴-۶: نظریه‌های دیگر قتل بردیا..... ۱۹۲
- ۴-۷: یکسان بودن گئومات مغ و بردیا..... ۱۹۳
- ۴-۸: کورش در بستر مرگ بردیا (تانیوکزارکس) را حکمران کرد..... ۱۹۴
- ۴-۹: کمبوجیه تنها مورخ یونانی باخبر از مرگ بردیا..... ۱۹۵
- ۴-۱۰: تروگ هم نظر هرودوت..... ۱۹۷
- ۴-۱۱: میاها بردیا..... ۱۹۸
- ۴-۱۲: نظریه هرودوت در مورد بردیای دروغین..... ۱۹۸
- ۴-۱۳: کمبوجیه بر جوان گشتاسب، داریوش را، به پیشگری خود گماشت..... ۱۹۹
- ۴-۱۴: انگیزه قتل بردیا..... دست کمبوجیه..... ۲۰۱
- ۴-۱۵: گستردگی شورش‌ها در تمام بر ضد داریوش..... ۲۰۱
- ۴-۱۶: بحران اجتماعی و اقتصادی در زمان کمبوجیه..... ۲۰۲
- ۴-۱۷: فسخ اصلاحات گئومات توسط داریوش..... ۲۰۳
- ۴-۱۸: جنبش‌های استقلال‌طلبی در برخی از ایالت‌ها..... ۲۰۳
- ۴-۱۹: کوشش برای به دست آوردن تاج و تخت..... ۲۰۴
- ۴-۲۰: نظر اسخیلوس در باره گئومات..... ۲۰۴
- ۴-۲۱: یاد کردن از گئومات به نام بردیا..... ۲۰۵
- ۴-۲۲: وجود اطلاعات متضاد در باره بردیا..... ۲۰۶
- ۴-۲۳: گئومات و فریب خانواده کورش..... ۲۰۷
- ۴-۲۴: مرگ رکسانا در مصر..... ۲۰۷
- ۴-۲۵: آیا بردیا دروغین بود؟..... ۲۰۸
- ۴-۲۶: وهوک قاتل بردیا پسر کورش (به نقل از هرودوت)..... ۲۱۰
- ۴-۲۷: قتل بردیا به دست کمبوجیه..... ۲۱۰
- ۴-۲۸: قیام دو برادر مغ..... ۲۱۱

۲۱۲..... ۴-۲۹: مرگ کمبوجیه

۲۱۳..... ۴-۳۰: وقایع پس از مرگ کمبوجیه

۲۰۷..... ۵. منابع

www.ketab.ir

پیشگفتار

کوروش در نزد بابلیان؛ برگزیده مردوک، در نزد یهودیان؛ مسح شده خداوند یسوع و به نفعی می‌رسد که مآدها او را سروری بیگانه فرض کرده باشند. هر یک می‌گوید که پارسیان از او چونان یک پدر سخن می‌گفتند، زیرا او مهر آن بود، از آنچه برای ایرانیان نیکو بود، کوتاهی نمی‌کرد. در عین حال هر دویت وی را مردی زودخشم می‌داند. داند اما یف می‌گوید «کوروش محبوب‌ترین شاه پارس و بنیانگذار یک امپراتوری جهانی بود». به نظر می‌رسد که پیش از این سنت ادیبان سرزمین‌های فتح شده احترام می‌گذاشت. پارسی‌ها را روحانیان بابل او را برگزیده مردوک، یهودی‌ها او را مسیح فرستاده مده از جانب یهوه و یونانیان او را فاتحی بزرگ و سیاستمداری باهوش می‌دانستند. گزین در کوروش‌نامه او را حکمرانی آرمانی و ایده‌آل توصیف می‌کند.



نگاره ۱-۱: پاسارگاد بر پشت اسکناس ۵۰ ریالی شاهنشاهی پهلوی، بین سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۹ میلادی

۱-۱: کورش سه امپراتوری را ساقط کرد

والتر هیتس، می گوید:

«کورش سه امپراتوری را ساقط کرده بود: ماد، لیدیه و بابل».

آیندگان فراموش نکردند که کورش هیچ کدام از سه فرمانروا، نه آمیتیگ، نه کرزوس و نه نبونعید را نکشت، بلکه به تبعید آن ها بسنده کرد و برای آن ها زندگی شاهانه ای فراهم آورد. این رفتار در جهان باستان بی سابقه بود و تا زمان کورش هرگز اتفاق نیفتاده بود.

۱-۲: کورش ۱ دیدگاه یهود

کورش جایگاه ویژه ای در تاریخ قوم یهود دارد، در منابع عهد عتیق، با عناوین «مسیح خداوند» و «سرور، خدای بهشت» خطاب شده و به او «همه پادشاهی های روی زمین یاد شده است». در کتاب عزرا و اشعیاى نبی، از وی چنین یاد شده است: «او شبان من است و رضایت خاطر مرا فراهم خواهد کرد.» نام او در رسالت اشعیاى ثانی در کتاب عزرا و در انتهای کتاب شرح وقایع تاریخی ۲ و در کتاب اشعیا ذکر شده است.

در این کتاب او، هم به عنوان کسی که مقدر شده قوم یهود را حفظ نماید و عملیات مشخصی را از طرف خدای آنها (اشعیاى ثانی) برای آن به انجام رساند و هم به عنوان شخصی که فرمان و قانونش پایه اساسی شد برای برگشت به زیون و برپاسازی معبد ویران شده عزرا، ظاهر شده است. ظاهراً موفقیت های کورش، خصوصاً آماده سازی ها و اقداماتی که نشان می داد جنگ بین او و بابل به تأخیر می افتاد، در قسمتی از مسنولیت اشعیاى ثانی برای نبوت مطلق او در آزادسازی و رستگاری قریب الوقوع اسرائیل و تخریب در شرف وقوع و احتمالی بابل بود.



نگاه ۱۲: خیابان کورش در اورشلیم

امیدهای پیغمبر به وضوح در ۱۱-۴۵:۱ بیان شده‌اند. «خدا رو به تدهین شده‌اش [کورش] نمود. کسی که در گذشته به او کمک نمود و در آینده نیز در ادامه فعالیت‌هایش به او کمک خواهد نمود». «من قبل از تو خواهم رفت و کوه‌ها را صاف می‌کنم، دره‌ها را خرد خواهم نمود و ستون‌های آهنی را به تکه‌های ریز خرد می‌کنم». کورش بر آن است که اورشلیم را بازسازی نماید و جامعه تبعیدشده را دوباره گرداند. در حالی که او هنوز خدای یهود را نمی‌شناسد: «من تو را با اسم من صدا می‌زنم، با نام فامیلی صدا می‌زنم، با اینکه تو مرا نمی‌شناسی. او در نهایت چنین خواهد کرد، بنا بر کمک بزرگی که از او دریافت خواهد نمود. این نبوت همانطور که قبل از این اتفاق تحویل شد، احساسات و امیدهای پیامبر را که منتظر تسخیر بابل و تنبیه آن است، نمایان می‌کند. در بسیاری از شهرهای بزرگ رژیم اشغالی به دلیل جایگاه کورش در

تاریخ یهودیان، خیابانی به نام او نامگذاری شده است که نمادی از رابطه کهن یهودیان و ایرانیان است.



نگاره ۱-۳: پاسارگاد بر پیشانی کاس ۵۰۰ ساله شاهنشاهی پهلوی، به سال ۱۹۳۸

۱-۳: دین کورش

در بابل و جاهای دیگر، مدارک فراوانی در ارتباط با تسامح کورش در امور دینی بدست آمده و هیچ نشانه‌ای از تعصب وی به دین و آیینش دیده نشده است. درباره اینکه کورش چه دینی داشت، اختلاف نظر وجود دارد و احتمالاً کورش خود می‌بایست پرستنده اهورامزدا بوده باشد، هرچند تقریباً هیچ چیزی درباره باورهایش نمی‌دانیم. مطابق با گزارش گزرن، کورش در بارگاهش پیرامون مسائل دینی از رهنمودهای مغان پیروی می‌نمود. اگرچه بسیاری از پژوهشگران، کورش را زرتشتی نمی‌دانند، مری بویس قویاً استدلال می‌کند که کورش خود یک زرتشتی بود که چنان‌پا جای پای نیاکان خود می‌گذارد، نیاکانی که از سده هفتم پیش از میلاد هنوز پادشاهان کوچکی در انشان بودند. او خاطرنشان می‌سازد که آتشکده‌ها و

نیایشگاه‌های پاسارگاد حاکی از عمل به آیین‌های زرتشتی است و متن‌های یونانی نیز به عنوان شاهد آورده‌اند که مغان زرتشتی جایگاه‌های ارزنده‌ای در دربار کوروش داشته‌اند. لویس گری عقیده دارد که کوروش دقیقاً پیرو آئین ایرانیان باستان قبل از گاتاهای زرتشت و بازمانده آن در اوستای جدید بود و خدایانی که مورد تکریم کوروش بودند، با اهورامزدا، میترا، آذر و آناهیتا، قابل تطبیق هستند. وی معتقد است دین کوروش به آئین ارائه‌شده در اوستای جدید نزدیک بوده و دلیلی برای زرتشتی دانستن او وجود ندارد. در برابر پژوهشگرانی همچون جورج کامرون و والتر هینتس عقیده دارند که زمان زرتشتی‌بودن کوروش مابین سال‌های ۶۶۰ تا ۵۸۲ پیش از میلاد بوده و کوروش در این مدتی تحت تأثیر زرتشت دیدار هم داشته و پیرو دین زرتشتی بوده است و دلایل این استدلال را آتشدان‌های ساخته‌شده در فضای آزاد و برج نگهداری آتش در پاسارگاد می‌دانند. ماکس مالوان می‌گوید که تاکنون هیچ مدرکی بدست نیامده که به پایه آن بتوان گفت، کوروش زرتشتی بوده است ولی رفتار او با آیین‌های زرتشت و اصول دین او نقاط مشترک بسیاری دارد و شاید از دین زرتشتی تأثیر پذیرفته باشد.



نگاره ۴-۱: پاسارگاد بر پشت اسکناس ۵۰ ریالی شاهنشاهی پهلوی، به سال ۱۹۴۴ میلادی

۴-۱: کورش بزرگ در عهد عتیق

اما آن قوچ صاحب شاخ که (در رویا) دیدی، پادشاه پارسیان و مادیان می‌باشد. (عهد عتیق، کتاب دانیال، باب ۸، آیه بیست).



نگاره ۵-۱: نقش برجسته انسان بالدار در پاسارگاد

۵-۱: نقش برجسته انسان بالدار

نقش برجسته انسان بالدار یکی از ستون‌های بازمانده از کاخ بارعام در پاسارگاد است که روزگاری روبروی دو درگاه تالار مسقف ستون‌دار قرار داشتند. برخی از پژوهشگران این نقش برجسته که شاخ‌های قوچ و بال‌های عقاب دارد را تصویر کورش می‌دانند. درباره این نقش، تفسیرهای بسیاری

انجام شده که یکی از آن‌ها این است که نقش مذکور ذوالقرنین یعنی «صاحب دو شاخ» است. درباره شخصیت ذوالقرنین که در کتاب‌های مقدس یهودیان، مسیحیان و مسلمانان از آن سخن به میان آمده، چندگانگی وجود دارد و این که به‌واقع ذوالقرنین چه کسی بوده، به‌طور قطعی مشخص نشده است.

والکلام آزاد با تفسیر آیات ۸۲ تا ۹۵ سوره کهف دلایلی آورده است که ذوالقرنین مسوف، کورش هخامنشی می‌باشد. علامه طباطبایی درباره ذوالقرنین چنین نوشته است که «هر چند بعضی از جوانبش خارج از احوالاتی نیست، بلکه از هر گفتار دیگری انطباقش با آیات قرآنی روشن‌تر و قابل‌اعتبارتر است.» در تفسیر نمونه از نظریه انطباق کورش با ذوالقرنین به عنوان نظریه‌ای که تر یاد شده است و بر تأیید این نظریه در تفسیر من هدی القرآن، تفسیر الفرقان و تفسیر المنیر اشاره شده است. در تفسیر المنیر با قاطعیت، ذوالقرنین، همان کورش دانسته شده که دو طرف جهان را گشت و احتمالاً به خاطر شجاعتش به ذوالقرنین ملقب شد.

۱-۶: کورش در هنر و ادبیات جهان

گزنقون گزارش می‌کند که همسر یکی از دشمنان کورش به نام داشت و بدست وی اسیر شد ولی با وجود تمام زیبایی‌اش کورش به او دست‌درازی نکرد. این داستان در ابتدای قرن شانزدهم در آثار هنرمندان ایتالیایی مانتو باندلو و نویسندگانگیسی، ویلیام پینتر و همکاران درام‌نویس آلمانی، هانس زاکس با اشعاری چنین مفهومی را به‌تصویر کشیده‌اند. پیر منفره، خالق کورش پیروز در سال ۱۶۲۸ و آنتوان دانشه (کورش ۱۷۰۶) جوانی کورش را با روشی بسیار مثال‌زدنی تشریح

کرده‌اند. گسترده‌ترین رمان نوشته‌شده در مورد شاهنشاه ایران، کتاب آرتامن یا کورش بزرگ (به فرانسوی: Artamène ou le Grand Cyrus) است که شامل ۱۳٬۰۰۰ صفحه بوده و توسط نویسنده فرانسوی، مادلن دو گودری به رشته تحریر در آمده است. شاعر آلمانی، کریستوف ماتین ریلند برای بدست آوردن امتیاز از پادشاه پروس، در اثر خود به نام آئینه طلایی (به آلمانی: Goldenen Spiegel)، حکومت فریدریش دوم را پادشاهی جدید کورش نامید.

ارمان تیمور اهمیت و ارزش مذهبی پادشاه، در شمار زیادی از نگاره‌ها با موضوع کورش در کلیساها و صومعه‌ها، به صورت گسترده‌ای روبرو هستیم. برای نمونه آثار ویتراي صومعه ابدورف شهر اویلتسن در نیدرزاکسن آلمان را می‌توان نام برد. نوشته‌های کنت لوسنا که بر پایه تعالیم گزنفون از کورش برد، برای شای لو تمر، دوک بورگوین، بصورت چهار فرش دیواری درآمد که هم‌اکنون این آثار در کلیسای نوتردام شهر بون کشور فرانسه نگهداری می‌شوند. نقاش آمریکایی بنجامین وست، تابلویی را برای جرج سوم پادشاهی متحده کشید که نگاره‌ای تأثیرگرفته از گزنفون و بخشش شاه ارمنستان توسط کورش است. پرتة نقاش ایتالیایی، جووانی بندتو کاتیلونه، نمایی از کورش شورش در سگ ماده‌ای را به تصویر کشیده است و دیگر نقاش اهل ایتالیا، پیترو پائولو تابلویی به نام نجابت کورش در برابر پاتنه‌آی زیبا دارد.

از قرن هفدهم میلادی، شخصیت کورش گزینه رایجی در موضوع اپراها شد، از جمله آنتونیو برتالی که در سال ۱۶۶۱ میلادی قطعه رشد کورش دوم (به ایتالیایی: Il Ciro crescente) را ساخت. فرانچسکو کاوالی در سال ۱۶۵۴ در اپرانامه‌ای از جی سی سورتینو بخش کورش دوم (به ایتالیایی: Il Ciro) را گنجاند. از شعرهای پیترو پاریاتی اپراهایی همچون

کوروش (به ایتالیایی: *Ciro*) در سال ۱۷۰۹ توسط توماسو آلبینونی و کوروش در بابل (به ایتالیایی: *Ciro in Babilonia*) در سال ۱۷۱۶ توسط آنتونیو لوتی ساخته و پرداخته شدند. از ایران‌نامه شاعر معروف پیترو متاستازیو، در سال ۱۷۳۷ میلادی بالداساره گالوپپی و ۱۷۴۴ نیکولو جازینی *طعنه شناخت کوروش* (به ایتالیایی: *Ciro riconosciuto*) را ساختند، یوهان آدولف هاسه در سال ۱۷۵۱ میلادی، شناخت کوروش را عرضه کرد. *کوروش* (به روسی: *Киро*) نیز در سال ۱۸۱۲ اپرای کوروش در بابل (به ایتالیایی: *Ciro in Babilonia*) را با متنی از اف. آوتی بروی صحنه آورد. مایکل اچ. هیت نیز *کوروش* (به انگلیسی: *Cyrus*) کتاب صد، کوروش را به عنوان ۸۷امین انسان تأثیرگذار در تاریخ جهان معرفی کرده است.

۱-۷: کوروش در روایات شفاهی ایران

بنابه گزارش روایی مورخان ایرانی، آخرین پادشاه ماد، آستیاگ خوابی می‌بیند که آبی و سپس تاکی از شحم دراز او ماندانا که همسر کمبوجیه اول پارسی است بیرون می‌آید و همه جهان را فرا می‌گیرد. ماندانا باردار است و چون فرزندی را به دنیا می‌آورد که کوروش نام دارد، آینده است آستیاگ دستور می‌دهد او را به هارپاگ از سران ملازمانش سپارد تا او را از میان بردارد. کوروش را خانواده شبنی می‌پروراند و چون مستأخر می‌شود، هارپاگ کفاره این گناه را بسیار سخت می‌پردازد. همانند بسیاری از این داستان کوروش را در داستان کیخسرو در شاهنامه می‌یابیم. هارپاگ تورانی او افراسیاب نیز قصد نابود کردن او را دارد.

به پیران دستور می‌دهد که او را به شبنانان بسپارد و به سخنی دیگر، هارپاگ روایت هرودوت پیران شاهنامه است. با همه اختلاف در جزئیات، همانندی‌ها را در داستان هرودوت و شاهنامه می‌توان چنین

طبقه‌بندی کرد: افراسیاب همان آستیاگ است؛ کیخسرو همان کورش است، پیران همان هارپاگ و جنگ تاریخی کورش با آسیاگ و پناه گرفتن او در کاخ شاه‌ی اکباتان و تسلیم شدنش برای این که خانواده‌اش شکنجه نشوند همانندی دارد با پایان کار افراسیاب که به کاخ کنگدژ پناه می‌برد و پس در دریای چیچست ناپدید می‌گردد و کیخسرو دستور شکنجه گرسیوز برادر افراسیاب را می‌دهد و افراسیاب تاب شنیدن فغان برادر ندارد و خود را می‌کشد. پایان زندگی کورش نیز آن چنان که گزنفون نقل می‌کند و وصیت‌های او، صحنه‌های روزهای پایانی کیخسرو را در شاهنامه یاد می‌آورد.



نگاره ۶-۱: آرامگاه کورش در ۲۵۰۰ امین سال سلطنتش